

عنوان مقاله:

«پوشاک ایرانی» «سبک پوشش ایرانی - اسلامی»

نویسنده:

زهرا رحیمی

سمت:

هنرآموز

محل کار:

هنرستان زهرائیه

شهرستان تیران و کرون

۰۹۹۲۲۴۵۲۷۸۹ ۰۹۱۳۲۳۰۴۹۶۵

چکیده

مد و رسانه آن، پوشاک، وسیله ای هنری برای بیان عقاید و افکار انسانها قلمداد می شود و تنها جوامعی از این منظر آسیب جدی خواهند دید که در این حوزه فرهنگی تقلیدکننده محض باشند. هدف: برای حل این مشکل و تولید پوشاک اسلامی - ایرانی، این تحقیق با هدف بررسی نگرش و ذهنیت مصرف کنندگان انجام شد. روش: در این پژوهش با بهره گیری از رویکرد کیفی استخراج استعاره زالتمن (زیمت)، نقشه ذهنی مد اسلامی - ایرانی استخراج شد. در این راستا، با ۱۵ نفر از مصرف کنندگانی که نسبت به این موضوع درگیری ذهنی بالایی داشتند، مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام گرفت. یافته ها: نقشه اجماعی با ۲۳ سازه ذهنی استخراج شد. نتیجه گیری: مهم ترین سازه هایی که باید مد نظر طراحان قرار گیرد، عبارتند از: تأکید بر المان های اسلامی، استفاده از شکل اصلی در طراحی، الوان بودن، سنتی بودن، استفاده از مفاهیم در طراحی، تنوع ناهنجار رنگها، پیچیدگی در طراحی، کمبود حق انتخاب و تیره بودن.

بایسته های پوشش اسلامی در حریم جامعه

زمانی که از نیازها و ضرورت های وجود آدمی سخن گفته می شود داشتن پوشش و لباس نیز در کنار خوراک و سرپناه (مسکن) به عنوان یکی از ملزوم های زندگی آدمی همیشه مورد توجه بوده است. در واقع، یکی از شئون انسانی که به اندازه ی تاریخ وجودی بشر و گستره ی جغرافیایی آن قدمت دارد پوشش است و از آن جا که انسان ها به دلیل وجود خرد، اندیشه و اختیار نسبت به سایر موجودها برتری داشته و متفاوت اند، توجه به داشتن لباس و پوشش را می توان یکی از همین تفاوت ها دانست. در هر حال، لباس یک نماد فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و ملی برای افراد به حساب می آید.

لباس در زندگی امروزی انسان ها کارکردهای گسترده و متنوع فردی و اجتماعی دارد که نیاز فطری خوداستتاری را می توان از جمله کارکردهای فردی پوشش دانست. افراد با توجه به سلیق، انگیزه ها و فرهنگ حاکم بر محیط، در انتخاب شکل، رنگ و جنس لباس مورد علاقه ی خود اعمال نظر می کنند و از طریق آن به حس خودآرایی و زیبایی دوستی درون شان پاسخ می دهند؛ گرچه متأسفانه امروزه با زیاده روی در پرداختن به این امر، جنبه های منفی پوشش در قالب تجمل گرایی، مدپرستی و خودنمایی نمود بیش تری یافته است که شاید بتوان گفت یکی از علل اصلی آن غفلت از خودآرایی درونی و تهذیب نفس است. در قرآن مجید آمده است: «ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرو فرستادم که برای تان زینت است و شرم گاه تان را می پوشانند؛ اما لباس تقوا بهتر است و...» (اعراف/۲۶)

همان طور که پیش از این هم به آن اشاره شد کارکردهای اجتماعی لباس را نیز نمی توان نادیده گرفت. در واقع در هر جامعه ای نوع و کیفیت لباس زنان و مردان به نوعی تابع شرایط اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی و ارزش های حاکم بر فرهنگ آن جامعه است و الگوهای مختلف پوشش، ضمن ایجاد شخصیت و منزلت فردی می توانند بیان کننده ی سنت ها، ارزش ها و نوع فرهنگ حاکم بر جوامع باشند که به عنوان یکی از ابزارهای مهم در جهت تحول در ساختار فرهنگی یک جامعه به کار گرفته می شوند. از سوی دیگر، تمام ادیان الهی به ویژه دین اسلام، به مسئله ی پوشش به عنوان یک نیاز طبیعی و ارزش، توجه خاصی کرده و ابعاد معنوی آن را نیز مطرح کرده اند که به جرئت می توان گفت دیدگاه اسلام در این رابطه منحصر به فرد است. البته ناگفته نماند که مسئله ی پوشش در دین ما، هم برای مردان و هم زنان مورد تأکید است؛ اما پوشش زنان در احکام و تعالیم دین ما با توجه به شرایط متفاوت جسمی، روحی و روانی آن ها نسبت به مردان از اهمیت خاصی برخوردار است که در کنار موضوع های مربوط به روابط میان زنان و مردان مطرح می شود. در هر حال، طبق آن چه در متون دینی، آیه ها و روایت ها و سخن بزرگان و صاحب نظران آمده، معیار مطلوب پوشش زن مسلمان در کلمه ی «حجاب» خلاصه شده است.

ویژگی های لباس از دیدگاه اسلام

در واقع، به طور کلی در دین اسلام علاوه بر احکامی که حدود پوشش زنان و مردان را مشخص کرده است، احکام دیگری نیز وجود دارد که نوعی معافیت را در حدود پوشش مطرح می کند و هم چنین احکامی که برای پوشش، مشخصه ها و ویژگی هایی را مدنظر دارد. «به طور مثال، پوشیدن لباس هایی که مخصوص زنان است، برای مردان و بالعکس پوشیدن لباس های مخصوص مردان برای زنان، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست» (طبرسی، ج ۳، ص ۲۴۶، باب ۹، عدم جواز تشبه النساء بالرجال). طبق نظر بزرگان دین حرمت این مسئله، علل گوناگونی می تواند داشته باشد که یکی از مهم ترین حکمت های آن جلوگیری از تشابه دو جنس زن و مرد است که به تدریج می تواند زبان های گوناگونی را در خانواده و اجتماع پدید آورد. ویژگی دیگری که به آن اشاره شده، عدم تشابه به کفار در پوشش است. یعنی این که مسلمانان در لباس، کفش، کلاه، انگشتر، گردنبند و سایر پوشیدنی ها خود را شبیه کافران نسازند. حضرت علی(ع) می فرماید: «کم می شود کسی خود را شبیه قومی سازد و اندک اندک از آن ها نشود» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۲۰۷)

همان طور که گفته شد بخشی از این توصیه ها و احکام، مربوط به رعایت حدود پوشش اسلامی است که در خصوص زنان پوشش تمام اندام بدن را در برمی گیرد و نیز پرهیز از خودآرایی و جلوه گری نامشروع به ویژه در برابر نامحرمان است. به کارگیری رنگ های روشن و در عین حال سنگین و غیرزنده که موجب جلب توجه نشود، پارچه های نرم و لطیف و در عین حال غیرنازک که بدن نما نباشند از دیگر توصیه های اسلام در خصوص پوشش زنان است. البته باید گفت که به کارگیری شکل و مدل، رنگ و جنس لباس ها در شرایط متنوع محیطی و در میان اقوام و قبائل مختلف با هم متفاوت است. لذا یک تعریف جامع و مشخصی را برای الگوی پوشش تمامی زنان مسلمان نمی توان ارائه کرد. به همین خاطر، به لحاظ اهمیت و حساسیت این مسئله، اسلام قواعد کلی را برای تبیین الگوی مناسب پوشش زنان ارائه کرده است که این الگوها تأثیر عمیق و گسترده ای را بر فرهنگ پوشش بانوان ایرانی داشته است.

توجه به دو مفهوم پوشش و حجاب

«عشرت شایق» کارشناس مسائل فرهنگی و اجتماعی در این خصوص می گوید: «پوشش در قالب حجاب در دین ما تعریف شده است و بیش تر به معنای مانع و پرده است. البته هر پوششی را هم نمی توان حجاب دانست. در هر حال، پوشش برای زن مسلمان دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است و این دو بُعد باید

در کنار یک دیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود. گاهی ممکن است بعد اول باشد ولی بعد دوم نباشد، در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.»

وی ادامه می دهد: «در واقع باید بگویم در مورد حجاب، با دو عنوان کلی مواجه هستیم؛ عنوان اول که همان پوشش است؛ یعنی این که زن بدنش را (به جز صورت و دو دست) بپوشاند (سجستانی، ج ۲، ص ۳۸۳). البته در مورد این حکم، بعضی از فقها رعایت احتیاط می کنند و پوشاندن دست و صورت را هم واجب می دانند؛ اما اکثر علما قائل به جواز آشکار ساختن دست و صورت برای زن هستند و برای صحت نظر خود به این آیه ی شریف استناد می جویند: «و زیورهای خود را آشکار نگردانند؛ مگر آن چه که طبعاً از آن پیدا است.» بنابراین، بر زن واجب است که تمام بدنش را بپوشاند؛ یعنی لباسی بر تن کند که آن را پوشش دهد و بدن نما نباشد و عنوان دوم، حجاب است. حجاب، یعنی خودآرایی نکردن (بزک نکردن)؛ چراکه خداوند بزرگ فرموده است: «و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت های خود را آشکار نکنید.» بنابراین، زنی که وارد جامعه می شود نباید تنها به پوشاندن بدن خویش اکتفا کند؛ بلکه حتی با پوشاندن بدن، در صورتی که خود را آراسته (بزک) کرده و دست و صورتش را زینت داده باشد یا با وسایل آرایش و لباس های آرایش دهنده، خودآرایی کرده باشد، جایز نیست وارد محیط اجتماعی (مختلط) شود. چراکه این گونه کارها، شأن زنانگی زن را در قالبی ویران گر نشان می دهد. در حالی که حضور زن در جامعه باید به گونه ای باشد که به طور طبیعی انسان بودن او را نمایان سازد. اسلام می خواهد که زن با لباس ویژه ی خویش از منزل خارج شود، درست همان طور که مرد باید با لباس مخصوص خود وارد جامعه شود؛ چراکه اجتماع های مختلط، عرصه ی عرضه ی مدها، لباس ها، زینت ها و تهییج جنسی نیست.

«شایق» ضمن تقسیم بندی مفهوم حجاب تصریح کرد: «نباید فراموش کرد که حجاب تنها مختص بخش هایی از بدن نیست؛ بلکه باید حجاب در چشم، گفتار، رفتار و حتی صدا هم داشت. در سوره ی نور اشاره شده است که: «ای رسول ما! به مردان مؤمن بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند» (نور / ۳۰). «ای رسول! به زنان مؤمن بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند» (نور / ۳۱). هم چنین در مورد حجاب در گفتار آمده که: «پس زن ها نازک و نرم با مردان سخن نگویند؛ مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است، به طمع افتد» (احزاب / ۳۲). در واقع، برای حضور در اجتماع چه اجتماع کوچک خانواده و چه اجتماع بزرگ جامعه باید حجاب رفتاری هم داشت. به زنان دستور داده شده است به گونه ای راه نروند که با نشان دادن زینت های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند «و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پایهای شان معلوم شود» (نور / ۳۱). در هر صورت، از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قائل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه ی پوشش، نگاه کردن، حرف زدن و راه رفتن است. بنابراین، حجاب و پوشش زن به منزله ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است.»

به گفته ی این کارشناس «بعد دیگری از حجاب هم وجود دارد که به لحاظ مفهومی، با حجاب ارتباط پیدا می کند اگرچه در شکل، شاید با حجاب مرتبط نباشد و آن حجاب در صدا است. اسلام، زن را از سخن گفتن با مردان و در برابر مردان باز نداشته است و زن می تواند در مناسبت ها و مراسم عمومی و اجتماعی یا سیاسی که به مشارکت در آن فرا خوانده می شود سخن گوید یا فریاد برآورد و حتی در موقعیت های حماسی که می خواهد توده ی مردم را به نبرد تشویق کند ناله برآورد؛ اما اسلام نمی پسندد که زن با نرم کردن صدا و یا نازک و آهنگین نمودن صوتش، موجب تهییج و برانگیختن احساس های غریزی دیگران شود. در واقع، سخن گفتن زن با عشو و ناز به گونه ای فریبنده و فتنه گرانه، عناصر تحریک را تقویت می کند و موجب شیفتگی جنس مذکر می شود.» فقها می گویند: «برای زن جایز نیست صدای خود را چنان خوش آهنگ و نازک و نرم کند که موجب تحریک شود. این همان چیزی است که ما از آن به (حجاب در صوت) تعبیر می کنیم.» بنابراین، همان طور که پیش از این هم به آن اشاره کردم برای حضور در جامعه، تنها معیار پوشش ظاهری تمام بدن نیست؛ گرچه این مسئله بسیار حائز اهمیت است؛ اما باید برای داشتن روابط اجتماعی سالم آن پرده ها برداشته نشود.»

رعایت حد پوشش و پرهیز از خودآرایی نامشروع

وی در ادامه خاطر نشان کرد: «به طور کلی تمامی مباحث مطرح شده در باب حجاب و پوشش اسلامی زنان بر دو محور اساسی استوار است؛ نخست رعایت حد پوشش به معنای حفظ عورت و دیگری پرهیز از خودآرایی نامشروع است. که در خصوص رعایت حد پوشش، اسلام از زنان خواسته است که حدود پوشش اسلامی را به منظور حفظ عورت خود رعایت کنند. با توجه به روایت ها و تفاسیر آیه های قرآن کریم، عورت زن، تمامی اعضای بدن او به جز قرص صورت و دو دست است و لذا الگوی پوششی مورد استفاده زنان باید به گونه ای باشد که بتواند این حدود را تأمین کند. در تفسیر استثنای آیه «الا ما ظهر منها»؛ یعنی آن مقداری که زنان در پوشش خود می توانند آشکار کنند، به احادیث متعددی استناد شده است که از آن جمله می توان به حدیثی از پیامبر اسلام(ص) در برخورد با اسماء دختر ابوبکر، اشاره کرد که فرمود: «ای اسماء! همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود، مگر این و اشاره فرمود به چهره و قسمت میچ به پایین دستش.» پوشش زنان باید طوری باشد که بتواند برجستگی های اندام بدن او را بپوشاند و از سوی دیگر، بدن نما نباشد؛ یعنی پارچه ی آن، اندام بدن را نمایان نسازد. هم چنین در خصوص مظاهر خودآرایی نیز باید بگویم که شامل زیورآلات زنانه اعم از گردنبند، گوشواره، خلخال، بازوبند، دست برنجی، تاج، آرایش کردن سر، صورت، دست ها و پاها، استعمال عطر و پوشیدن لباس های فاخر، زنده و زینتی که باعث جلب توجه شود است که زنان بهتر است برای ورود به اجتماع و این که کم تر دچار مشکل ها و آسیب ها شوند این موارد را رعایت کنند»

توصیه به استفاده از روسری، مقنعه و شلوار

«شایق» بیان داشت: «علاوه بر معیارها و احکام مطرح شده در حدود پوشش اسلامی، برخی از مصادیق پوشش زنان در قالب آیه ها و روایت ها بیان شده است که از آن جمله می توان به «جلباب»، «خمار» و «سراویل» اشاره کرد. در سوره ی نور از زنان خواسته شده است که از پوشش «خمار» به درستی استفاده کنند؛ «روسری های خود را بر سینه ی خود افکنند تا گردن و سینه با آن پوشیده شود.» معنای خُمَر در این آیه «روسری» است. هم چنین در سوره ی احزاب شکل دیگری از پوشش به زنان معرفی می شود: «یعنی جلباب های خود را بر خویش افکنند.» جلباب در این آیه بنابر تفاسیر، نوعی مقنعه است که از روسری بزرگ تر و از چادر کوچک تر است و سر و سینه ی زن را با پوشش وسیع خود می پوشاند. درباره ی استفاده از شلوار نیز پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «خدا رحمت کند زنانی را که شلوار می پوشند.» هم چنین در حدیث دیگری فرمودند: «ای مردم! شلوارها را برای پوشش برگزید؛ زیرا آن ها پوشاننده ترین لباس هاست و به وسیله ی آن حجاب زنان خود را هنگام خروج از خانه حفظ کنید» (محمدی ری شهری، ج ۲، ص ۲۵)

حجاب حق الهی

این کارشناس مسائل فرهنگی و اجتماعی در پایان گفت: «متأسفانه شبهه ای که در ذهن بعضی افراد وجود دارد این است که خیال می کنند حجاب برای زن محدودیت و حصری است که خانواده برای او به وجود آورده است. بنابراین حجاب را نشانه ی ضعف و محدودیت زن می دانند. راه حل این شبهه در بینش قرآن کریم این است که زن باید کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم. هم چنین مربوط به مرد هم نیست تا مرد بگوید من راضی هستم و همین طور مربوط به خانواده نیست که اعضای خانواده رضایت دهند. حجاب زن، حق الهی است. حرمت زن، اختصاص به خود زن دارد نه شوهر و نه خانواده اش. همه ی این ها اگر رضایت بدهند قرآن راضی نخواهد بود؛ چون حرمت زن به عنوان حق الله مطرح است و خدای سبحان زن را با سرمایه ی عاطفه آفرید که معلم رقت باشد و پیام عاطفه بیاورد و اگر جامعه ای این درس رقت و عاطفه را ترک کرد و به دنبال غریزه و شهوت رفت، به همان فساد مبتلا می شود که در غرب ظهور کرده است. بنابراین، کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دارم. زن از نظر قرآن به عنوان «امین حق الله» مطرح است؛ یعنی این مقام و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست به زن داده و فرموده این حق مرا، تو به عنوان امانت حفظ کن. اگر این امر رعایت شود، جامعه به صورتی درمی آید که قرآن در آن حاکم است. جامعه ای که قرآن در او حاکم باشد، جامعه ی عاطفه به حساب می آید.»

گروه های متفاوت انسانی که در مناطق مختلف کشور ما زندگی می کنند، هر کدام دارای ویژگی های قومی برجسته ای می باشند و تن پوش ویژه ای داشته که معرف قومیت، زبان و سایر مشخصات فرهنگی آنان است. شناخته شده ترین این اقوام عبارتند از: ترک، بلوچ، بختیاری، ترکمن، قشقایی، کرد، لر و گیلک و عرب. پوشاک در هر منطقه، زمینه بسیار مناسبی جهت تأثیر و تأثر فرهنگی است.

در شکل گیری و ترکیب پوشاک محلی هر قومی، عوامل مذهبی، شرایط و عوامل طبیعی، نوع معیشت و فعالیت های جنبی و تولید و موقعیت اجتماعی را می توان مؤثر دانست. در ایران با تنوع اقلیمی زیاد، پوشش های محلی بسیار متنوعی وجود دارد که به عنوان نمونه به دو مورد آنها اشاره می کنیم:

پوشش کهگیلویه و بویراحمد

استان چهار فصل کهگیلویه و بویراحمد به خاطر برخورداری از طبیعتی زیبا و بکر، علاوه بر زیبایی های طبیعی از جلوه ای خاص در پوشاک زنان این دیار نیز برخوردار است. زنان استان چهار فصل کهگیلویه و بویراحمد هنوز به پوشش سنتی و محلی خود پای بند هستند و در بیشتر اوقات و به ویژه در جشن ها و مجالس عروسی از این پوشش، استفاده می کنند.

پوشش و حجاب کامل و تنوع رنگ ها و پارچه ها، جلوه خاصی به لباس محلی زنان در این استان بخشیده است و رنگ های آن بر طبیعت زیبا و دامنه زاگرس، شمیم نشاط و شادی بخش می کند. استفاده از لباس محلی، در میان زنان شهرنشین این استان نیز دیده می شود.

سرپوش لباس محلی زنان کهگیلویه و بویراحمد، شامل یک پارچه روپوش یا همان روسری به نام مینا (Meyna) است و بر روی این روپوش مینا نیز پارچه ای به نام چارقد یا لچکی قرار می گیرد که در زبان فارسی همان سربند است. همچنین یک کلاه کوچک زیر مینا قرار می گیرد؛ تا پوشش دهنده موهای جلو سر زنان باشد و معمولاً زیورآلات و وسایل تزیین سنتی و ظریف به آن متصل می شود. بخش بالاتنه لباس محلی زنان استان کهگیلویه و بویراحمد، همان پیراهن یا جامه است که یک پارچه دو متری است و از زیر گردن تا کف پای زنان را می پوشاند. دامن، بیشترین حجم پارچه را در این لباس سنتی در برمی گیرد. رنگ و جنس پارچه این لباس ها معمولاً با توجه به مناطق گرمسیری و سردسیری، نوع بافت عشایری و روستایی، نوع باورها و گرایش قومی و قبیله ای و سن زنان، انتخاب می شود؛ به طوری که برای دختران نوجوان و کودکان بیشتر از رنگ های شاد و حجم کمتر پارچه و برای دختران جوان، رنگ های روشن تر با پارچه بیشتر استفاده می شود و با افزایش سن زنان رنگ این لباس ها بیشتر به سمت تیره و خاکستری، مانند سبز یشمی یا سرمه ای، سوق پیدا می کند.

پوشش مردان

در گذشته پوشاک مردان کهگیلویه و بویر احمد، شامل جبه، دلگ (dalg) شال، پیراهن بدون آهار و یقه با آستین گشاد، زیرشلوار، گیوه و کلاه بوده است.

جبه که در گویش محلی، جقه (jeqa) است، از جنس پشم گوسفند و بسیار نازک و کرم رنگ است و تا زانو می رسد. جبه دارای آستین گشاد و کوتاه بوده، اغلب در جنگ ها مورد استفاده مردان قرار می گرفت.

دلگ مردانه نیز به شکل جقه کوتاه و از جنس پارچه اطلسی و دارای آستر بوده و رنگ سفید گلدار آن، مرسوم بوده است. دلگ، بلند و فاقد دکمه بوده، یقه ندارد و جلوی آن سرتاسر باز است؛ شبیه به ردا و در ناحیه کمر، روی دلگ، شال بسته می شد.

شال، پارچه ای سفید رنگ یا کرمی رنگ بوده که تا ده متر درازا داشته و آن را بر روی دلگ، به دور کمر می بسته اند. در زیر دلگ پیراهنی بدون یقه و آهار، با آستین گشاد پوشیده می شد که با تار نخی بسته می شد. رنگ شال معمولاً سفید بوده است و در مراسم عروسی و میهمانی از آن به همراه دلگ و برای محکم نگاه داشتن دلگ، استفاده می شده است.

پوشش آذربایجان شرقی

در منطقه آذربایجان شرقی پوشش سنتی در چند دهه اخیر، بیش از هر موضوع فرهنگی دیگری، دستخوش تغییرات شده است؛ به طوری که امروزه تنها در میان روستاییان و عشایر، می توان پوشش محلی این منطقه را مشاهده کرد. شرایط جغرافیایی، محیطی و آب و هوا، نحوه زندگی و اوضاع اجتماعی و اقتصادی و پیشرفت های علمی و صنعتی و نیز اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم از جمله عوامل مؤثر بر شکل لباس ها در جوامع مختلف می باشند.

لباس های محلی ایلات مشهور آذربایجان شرقی، مانند شاهسون و ارسباران، یکی از مهم ترین جاذبه های فرهنگی و گردشگری این استان است. مردان این ایل، پوشش خاصی ندارند. کت و شلوار و کلاه معروف به کپی (کلاه ترک داری که نظیر کلاه مردان گیلان است)، پوشش مردان شاهسونی است.

شکل پوشاک زنانه در مناطق عشایری آذربایجان شرقی، معمولاً به شیوه قدیم و شامل پیراهن بلند، دامن چین دار بلند و چارقد(روسری بزرگ) می شود. رنگ های به کار رفته در پوشش زنان این منطقه، اغلب رنگ هایی با زمینه روشن و گلدار است و نوع پارچه، دوخت، تزیین و نام انواع پوشش و زیورهای زنانه نزد ایلات و عشایر این منطقه، از تنوع چشمگیری برخوردار است.

چادر شبی که در منطقه سردرود، بناب و شهر های دامنه کوهستان سهند بافته می شد، لباسی که چوپانان کوهستان سهند به کار می بردند و کت مردانه ای که تا چند سال پیش استفاده می شد، از جمله پوشش های مخصوص و ویژه آذربایجان شرقی به شمار می روند. جنس پارچه های استفاده شده در این منطقه، بسته به توان مالی افراد، شامل کودری، ململ، چیت، متقال، فاستونی، دریاکنار، اوتماسینار، آیناگولی(پولکی)، شالموز، تافته، مخمل و به تازگی ابریشم و حریر می شود.

ظرفیت فرهنگ ایرانی در مد و لباس

ایرانیان فرهنگ چند هزار ساله دارند. بسیاری از مدهایی که غربی‌ها توسط آن بازار خود و دیگر کشورها را احاطه کرده‌اند از پوشش مردمان و اقوام اصیل ایرانی الهام گرفته‌اند این در شرایطی است که تولیدکنندگان و دست‌اندرکاران مد و لباس کشور ما هنوز نتوانسته‌اند از پوشش‌های زیبای مناطق مختلف کشور و تلفیق این پوشش‌ها و الگو برداری از آنها به تولید لباس و ارائه مد بهره‌برداری نمایند. بنابراین نباید به جوان خرده‌گرفت که چرا به فرهنگ مردمان دیگر کشورها روی آورده است! غریبها از این خلاء و فرصت‌ها نهایت بهره‌برداری را می‌برند و با نفوذ در میان جوانان ما، فرهنگ خود را ترویج می‌کنند. غرب افراد با پوشش غربی، به دیگر کشورها صادر نمی‌کند بلکه با برنامه‌ریزی و شناخت زمان و مکان با به‌کارگیری فرصت فناوری اطلاعات، هنر فیلم‌سازی و تبلیغات خیره‌کننده ماهواره‌ای و رسانه‌ای به راحتی اهداف خود در این حوزه را دنبال می‌کنند ولی ما آگاهانه و ناآگاهانه حتی در فیلم‌ها و تبلیغات خود نیز به بازار فرهنگ غربی رونق بیشتری داده و همرنگ آنها می‌شویم! باید پذیرفت که ما در ترویج فرهنگ ایرانی و بومی دچار ضعف شدید هستیم و بهترین راهکار در این خصوص این است که، از ابتدای دوره کودکی فرزندانمان را در خانه و مدرسه با فرهنگ کشور آشنا کنیم و موضوع فرهنگ و پوششی ایرانی - اسلامی را در برنامه و کتب درسی بگنجانیم.

نهادهای فرهنگی و طراحان مد و لباس

در اینکه صرفاً از طراحان داخلی لباس انتظار داشته باشیم به تنهایی در راستای تولید و فروش الگوهای خود در زمینه پوشش ایرانی - اسلامی فرهنگ‌سازی کنند، راه به جایی نخواهیم برد بلکه این مهم نیازمند همکاری و هماهنگی سایر بخش‌ها و نهادهای مختلف فرهنگی است. آگاهی و فرهنگ‌سازی مهمترین شیوه‌ای است که می‌تواند ذائقه قشرهای مختلف مردم که به مد‌گرایی دارند و بعضاً در این راستا کورکورانه مقلد بیگانگان هستند - را تغییر دهد و به سمت الگوهای سنتی و بومی کشور علاقه‌مند نماید. آنچه مسلم است اینکه در طراحی‌ها باید از نقش بی‌بدیل هنر بهره‌گیری شود و با تنوع رنگ و شادابی در نوع لباسهایی که تولید می‌شود الگویی مناسب ایجاد و به بازار ارائه شود. طراحان لباس باید با مبانی روان‌شناختی طیف‌های مختلف جامعه آشنایی شده و به مد‌آفرینی همت بگذارند که لازمه این کار بکارگیری روش‌ها و اصول فنی مناسب در کار است.

نتیجه گیری:

ایجاد ساختار مناسب برای سازماندهی مثلث طراحی - تولید و توزیع البسه

بنابراین برای تحقق منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ارائه سبک زندگی اسلامی در جهت تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی بایستی فضایی ایجاد شود که «برند سازی» شکل گرفته و طراحیهای خلاقانه و نو متناسب با فصول اول و دوم سال متناسب با شاخص ها و استانداردهای اسلامی و ایرانی فرصت ظهور و بروز پیدا کنند. این مسئله می تواند زمینه تعامل و همکاری و در نتیجه صادرات البسه ایرانی به سایر کشورها را نیز فراهم کرده و در پی آن برای طراحان مد و لباس یک اشتغال پایدار ایجاد نماید. وجود اقوام کهن و گوناگون ایرانی در کشور زمینه بالقوه مناسبی برای تولید و ارائه طرحهای مختلف لباس را فراهم می کند که متأسفانه از این ظرفیت استفاده نشده است. برای این اساس می توان با احیای سنت های قدیمی علاوه بر حفظ فرهنگ اصیل ایرانی به ارائه یک الگوی منطبق با شاخص های فرهنگ عمومی و شئون اسلامی در شأن مردم بزرگوار کشور دست یافت.

منابع:

-قرآن کریم.

-نهج البلاغه.

-طبرسی، محقق میرزا حسین (۱۴۰۸)، مستدرک وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.

-سجستانی، سلیمان بن الأشعث (۱۴۱۰)، سنن أبی داود، بیروت، دار الفکر، بیروت.

-محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲)، میزان الحکمه.